

دوفصلنامه مطالعات

تفسیری قرآن کریم

شماره دهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

الگوی زیست مؤمنانه بر اساس سوره مؤمنون با استفاده از تفسیر ساختاری و روش نظریه داده‌بنیاد

سید سجاد آل غفور*

مرتضی غریبان**

چکیده

بر اساس آموزه‌های دینی، «ایمان» عنصری کلیدی و راهگشا در سعادت انسان به شمار می‌رود و ترسیم الگوی زیست مؤمنانه افراد در جامعه دینی، امری ضروری است. یکی از سوره‌های قرآن که با توصیه به ایمان آغاز شده و غالب آیات آن درباره ایمان است، سوره مؤمنون می‌باشد و خداوند در این سوره، ویژگی‌های انسان مؤمن را بیان کرده است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال ترسیم الگوی زیست مؤمنانه بر اساس سوره مؤمنون است. در این تحقیق، با استفاده از روش داده‌بنیاد و به کمک تفسیر ساختاری، با نگاهی نو، به بررسی سوره مؤمنون پرداخته شد و با انجام کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، مفاهیم و مقولات سوره مؤمنون استخراج گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق، آیه ابتدایی سوره - قد افلح المؤمنون - به عنوان قلب سوره، و جامعه رستگاران و فلاح، به عنوان مقوله اصلی در نظر گرفته شد. همچنین سایر آیات این سوره، بر حول محور ایمان است که بر مبنای الگوی زیست مؤمنانه، بررسی و تبیین گردید. مقولات محوری الگویی را بیان می‌کنند که شامل صفات فردی مؤمنان و ویژگی‌های اجتماعی مؤمنان است.

واژگان کلیدی: ایمان، الگو، زیست مؤمنانه، سوره مؤمنون، تفسیر ساختاری، روش داده‌بنیاد.

* دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛

aleghafoor@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، دانشکده الهیات و ادیان، تهران، ایران، پژوهشگر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ mgh1534@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم مهم ترین منبع معرفتی بشر است که از سوی خدای متعال برای هدایت بشر فرستاده شده است. هرچند اسلام دینی جامع و کامل است و ظرفیت اداره جامعه در عرصه های گوناگون و در دوران های مختلف را داراست، اما برای پیاده سازی آن لازم است مبانی، اصول و آموزه های اجتماعی را از منبع اصلی آن یعنی قرآن کریم استخراج نمود.

انقلاب اسلامی ایران با هدف برقراری حکومت اسلامی، نظام طاغوتی را سرنگون و در پی تأسیس جامعه ای بر اساس آموزه های قرآنی - اسلامی بوده است. برای صورت بندی جامعه اسلامی، به چهارچوب نظری و تئوریک یک نظام اجتماعی - سیاسی در همه جنبه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی نیاز است که این جامعه، باید بر مدار ایمان باشد. براین اساس ضروری است که الگوی زیست مؤمنانه جامعه، طراحی گردد. ازاین رو، این تحقیق درصدد ارائه الگوی زیست مؤمنانه است و از آنجا که موضوع اصلی سوره مؤمنون، ایمان است، مقاله حاضر به این پرسش پاسخ خواهد داد که الگوی زیست مؤمنانه براساس سوره مؤمنون چه مختصاتی دارد. روش تحقیق نیز ترکیبی از تفسیر ساختاری و روش نظریه داده بنیاد است. در این مقاله ابتدا این روش به عنوان ادبیات نظری پژوهش تبیین می گردد و در ادامه، به تحلیل و بررسی آیات سوره و استخراج الگو پرداخته می شود.

بررسی آثار موجود و مرتبط با مسئله این تحقیق نشان داد پژوهشی با رویکرد و روش این مقاله وجود ندارد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است به روش جدیدی برای استخراج الگو از قرآن کریم دست یابد؛ ازاین رو به بررسی و ترکیب تفسیر ساختاری و روش داده بنیاد پرداخته است. نمونه موردی نیز «سوره مؤمنون» انتخاب شد تا راستی آزمایی این روش برای طراحی الگو از قرآن کریم مورد توجه قرار گیرد.

۱-۲. تفسیر ساختاری

بررسی ساختار هندسی آیات قرآن بر پایه اهداف سوره ها، رویکرد جدیدی است که از آن با عنوان تفسیر ساختاری یاد می شود. امروزه توجه به وحدت موضوعی و هدفمندانه سور قرآن کریم با عنوان «تفسیر ساختاری» مورد عنایت قرآن پژوهان قرار گرفته (غروی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴) که در گذشته با عنوان «علم تناسب» از آن یاد می شده است. تناسب در اصطلاح، علمی است که به وسیله آن، علل چگونگی ترتیب یافتن اجزای قرآن شناخته می شود و در آن، مقاصد کلی سوره ها که به شناخت اهداف یکایک جمله های قرآن می انجامد، شناسایی می گردد (خرقانی، ۱۳۸۰، ص ۷). بر اساس این روش، هر سوره دارای یک غرض اصلی (موضوع محوری) است و تمامی آیات و مباحث مطرح شده در سوره، به صورت منطقی و فصل بندی شده به آن غرض مرتبط می شوند (خامه گر، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۴۹). محققانی همچون: محمد عبده و رشید رضا در جهان عرب و نیز علامه طباطبایی، گام هایی در این زمینه برداشته اند (همان، ۱۳۸۱، ص ۹-۱۳). در تفسیر بنایی، ساختار سوره موضوعیت دارد و هر سوره ای دارای قلب و حاشیه ای است. در تفسیر بنایی، برخلاف تحلیل گفتمان که در

ابتدا دال مرکزی را می‌شناسیم و سپس به سراغ نشانه‌های دیگر می‌رویم، به دنبال قلب یا نقطه تمرکز سوره هستیم. در ادامه، دلالت‌های سوره، استخراج و ارتباط آن با سایر مفاهیم، کدگذاری می‌گردد و قلب سوره فهمیده می‌شود. نرم‌افزار کمکی این تحقیق، مکس کیودا است.

۲-۲. نظریه داده‌بنیاد

مطالعات دو دهه اخیر نشان می‌دهد که تحقیقات با رویکرد کیفی از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. این تحقیقات شامل نگرش‌های فلسفی، تکنیک‌ها، ابزارهای تحقیق و سبک‌های متنوعی هستند؛ به گونه‌ای که تئوری انتقادی، تحلیل گفتمان، قوم‌شناسی، هرمنوتیک، تحلیل روایتی، مشاهده مشارکتی، تحقیق موردی، نظریه داده‌بنیاد و موارد بسیار دیگری همه به عنوان تحقیق کیفی شناخته شده‌اند (فقیهی و بامداد صوفی، ۱۳۷۸، ص ۳۴). گراندتئوری یکی از رایج‌ترین شیوه‌های پژوهش کیفی است که ریشه در نظریه تعامل نمادین دارد (فخاری، ۱۳۸۸، ص ۶۶). برای این واژه در زبان فارسی، معادل‌هایی همچون: نظریه مبنایی، نظریه داده‌بنیاد، نظریه زمینه‌ای و تئوری مفهوم‌سازی بنیادی ارائه شده است. هرچند اصطلاح نظریه زمینه‌ای، از نظر لغوی با واژه انگلیسی آن قرابت بیشتری دارد، ولی نظریه داده‌بنیاد از سوی محققان بیشتری مورد استفاده قرار گرفته است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۱). داده‌بنیاد عبارت است از: فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان، ۱۳۸۶، ص ۵). این روش، تحقیقی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷م توسط بارنی گلیرز و آنسلم اشتراوس^۱ به وجود آمد و در کتابی با عنوان کشف نظریه داده‌بنیاد در دهه ۱۹۶۰م منتشر گردید. در حقیقت، داده‌بنیاد، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم، به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی و همچنین سایر پیش فرض‌ها و چهارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. این روش، از سه ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند که عبارتند از: مشاهده، مصاحبه و تجزیه و تحلیل متنی و یا ترکیبی از این روش‌ها. داده‌بنیاد، از مجموعه‌ای از مفاهیم و مقولات بهره می‌برد. مفاهیم، نوعی برچسب‌های ذهنی هستند که پژوهشگر به وقایع و رویدادها می‌دهد تا زمینه لازم برای تحلیل آنها را به وجود آورد. این مفاهیم بایستی تبدیل به مقوله‌ها شوند تا بتوانند در ساختار علمی تحقیق مورد استفاده قرار گیرند. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. مقوله‌ها شالوده ساختن نظریه یا الگو هستند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۶). مقوله‌بندی نیز تنظیم و دسته‌بندی مفاهیم به دست آمده از داده‌هاست. اگر محقق نتواند به ارائه نظریه دست یابد، می‌تواند الگوی نظری ارائه نماید. الگوی نظری ابزاری است که می‌تواند نظریه‌سازی را ارتقا بخشد و به بازنمایی نظریه‌ها در قالب الگو بپردازد. الگو تصویری آینه‌وار از

1. Maxqda

2. The Grounded Theory

3. Barney Glaser

4. Anselm Strauss

واقعیت نیست، بلکه برخی زوایای واقعیت را برجسته می‌کند. الگو کمک می‌کند تا بر بعضی از بخش‌ها و ارتباط میان آنها تمرکز شود. همین ساده‌سازی و تمرکز است که الگوها را به عنوان ابزارهای نظریه‌پردازی ارزشمند می‌سازد (شومیکر و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸-۱۳۲). بنابراین ایجاد مقولات و خصوصیات آنها در روند کدگذاری، یکپارچه کردن مقولات و خصوصیات آنها در سراسر یادداشت‌برداری، تحدید نظریه و نوشتن تئوری یا حداقل ارائه الگوی نظری در فرایند انجام روش داده‌بنیاد صورت می‌گیرد.

۲. تحلیل مفاهیم و مقولات سوره مؤمنون

۲-۱. کدگذاری باز

در روش یادشده به فرایندی که به شناخت مفاهیم، ویژگی‌ها و ابعاد آن منجر می‌شود «کدگذاری باز» می‌گویند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰، ص ۷۱). این مرحله، اولین قدم برای تحلیل داده‌هاست که شامل خرد کردن، تحلیل، مقایسه و مقوله‌بندی داده و انتخاب یک نام برای آن است. بنابراین، کدگذاری باز فرایندی است تحلیلی که با آن، مفاهیم از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادشان تعیین هویت شده و گسترش داده می‌شوند. نتیجه کدگذاری باز باید فهرستی از کدها باشد که به متن مرتبط شده‌اند (فلیک، ۱۳۸۲، ص ۲۲۷). در ادامه، جدول کدگذاری باز سوره مؤمنون آمده است:

ردیف	عبارت	کدگذاری باز: مفاهیم
۱.	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)	رستگاری مؤمنان
۲.	الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)	خشوع در نماز
۳.	وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)	ترک انجام کارهای بیهوده
۴.	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴)	پرداخت زکات
۵.	وَالَّذِينَ هُمْ لِقُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)	عفت و پاکدامنی
۶.	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)	امانت‌داری و وفای به عهد
۷.	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)	محافظت از نماز
۸.	أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)	وارثین فردوس
۹.	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴) ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵) ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶)	تفکر در خلقت انسان
۱۰.	وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷) وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸) فَأَنشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹) وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصَبْغٍ لِلْأَكْلِيلِ (۲۰)	تفکر در خلقت طبیعت
۱۱.	وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱) وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلُكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)	تفکر در خلقت حیوانات
۱۲.	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳)	فرستادن نوح عليه السلام
۱۳.	فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴) إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (۲۵)	ملاء قوم به تهمت برتری جویی ناسزا
۱۴.	قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبْتُ (۲۶)	دعا: نصرت الهی

۱۵.	فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا فَوْحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تَخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۷)	نجات مؤمنان غرق شدن کافران
۱۶.	فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)	دعا: ستایش پروردگار
۱۷.	وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۲۹)	دعا: جایگاه مبارک
۱۸.	ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۳۱) فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲)	ارسال صالح عليه السلام
۱۹.	وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الْآخِرَةِ وَآتَرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳) وَلَكِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ (۳۴) يَعِدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ (۳۵) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶) إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷) إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)	تکذیب ملاء قوم سخنان بدون منطق تکذیب پیامبر
۲۰.	قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ (۳۹)	دعا: نصرت الهی
۲۱.	ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةٌ رُسُلُهَا كَذَبُوهُ فَآتَيْنَاهُمْ بَعْضَهُمْ بِعَضَاً وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۴۴)	تکذیب پیامبران
۲۲.	ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۴۵)	ارسال موسی و هارون
۲۳.	إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۴۶) فَقَالُوا أَنْوْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)	قوم عالین سخنان غیر منطقی
۲۴.	فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۴۸)	تکذیب و هلاکت ظالمین
۲۵.	وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً	فرستادن مریم و عیسی عليه السلام
۲۶.	يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)	طعام طیب و عمل صالح
۲۷.	وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲) فَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)	تمایل به تفرقه

۲۸.	فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ (۵۴) أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُنِذِرُهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ (۵۵) سَارِعَ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۶)	ژرفای نادانی و گمراهی پندار یاری مال و فرزندان
۲۹.	إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۵۷) وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۵۸) وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹) وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰) أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)	خشیت پروردگار ایمان به آیات و عدم شرک بخشش بدون منت شتاب در خیرات
۳۰.	وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۱)	عدم تکلف و پذیرش اصل تفاوت
۳۱.	بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمَرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳) حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (۶۴) لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ (۶۵) قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تُنْكِبُونَ (۶۶) مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷) أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸) أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (۶۹) أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَآكُثْرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰)	غفلت و بی‌خبری کارهای ناپسند گرفتاری در عذاب انحطاط تکبر شناخت پیامبر شناخت حق
۳۲.	وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۷۱)	عدم پیروی حق از هواهای نفسانی
۳۳.	أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۷۲)	خداوند بهترین روزی‌رسان
۳۴.	وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۳)	ارسال محمد ﷺ و دعوت به زندگی سعادت‌مندانه
۳۵.	وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّا كِبُونَ (۷۴) وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵) وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۷۶) حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)	راه بی‌راهه و انحراف لجاجت در سرکشی

		عذاب شدید
۳۶.	وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷۸) وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۹) وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۸۰)	تفکر در خلقت
۳۷.	بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱) قَالُوا إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۸۲) لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِن هَذَا إِلَّا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳)	سخنان تکراری و یهوده
۳۸.	قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۸۵) قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۸۶) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷) قُلْ مَنْ يَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (۸۹) بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)	دانستن حقیقت و اعتراف به آن تکذیب
۳۹.	مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ (۹۱) عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹۲) قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِيتَنِي مَا يُوعَدُونَ (۹۳) رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴) وَإِنَّا عَلَى أَنْ تُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)	منزه بودن پروردگار دانای نهان و آشکار دعا: نماندن در قوم ظالمین
۴۰.	ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶) وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷) وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۹۸)	دعا: پناه از وسوسه‌های شیطان‌ها دعا: پناه از حضور وسوسه‌گران و فریبکاران
۴۱.	حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹) لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۰) فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۱۰۱)	حق‌ناپذیری تا دم مرگ
۴۲.	فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۲) وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۱۰۳) تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (۱۰۴)	رستگاری دارندگان اعمال وزین

زیانکاری دارندگان اعمال خفیف		
تکذیب آیات اعتراف به شقوت و گمراهی، اعتراف به قوم ظالمین، طرد پروردگار و سخن نگفتن اولین عذاب دعا: بخشش پروردگار تمسخر مؤمنان	۴۳. أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵) قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶) رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷) قَالَ اخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸) إِنَّهُ كَانَ قَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۰۹) فَاتَّخَذُوا لَهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۱۰)	
پاداش پیروزی صبر،	۴۴. إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (۱۱۱)	
اعتراف به زندگی کوتاه عدم بیهودگی آفرینش والایی پروردگار عرش گرانمایه	۴۵. قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲) قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِينَ (۱۱۳) قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴) أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۱۱۵) فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)	
شرك و عدم رستگاری کافران	۴۶. وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷)	
دعا: طلب غفران و رحمت	۴۷. وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸)	

۲-۲. کدگذاری محوری

در این مرحله، مفاهیم و عناوین مستخرج، مورد مقایسه و دسته‌بندی قرار می‌گیرد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱). کدگذاری محوری به توصیف روابط اجتماعی بین مقولات و خرده‌مقولات می‌پردازد و به عبارتی به معنای مرتبط کردن مقوله‌ها با زیرمقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنها است (استراوس و کرین، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). این کدگذاری به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری‌ها محور یک مقوله تحقق می‌یابد، درحالی که شناسه‌گذاری باز، داده‌ها را به مقوله‌های مختلف تفکیک می‌کند، شناسه‌گذاری محوری، مقوله‌ها را با توجه به ویژگی‌ها و ابعاد آنها به یکدیگر مرتبط می‌سازد. بنابراین کدگذاری محوری

ناظر به رویه‌ای است که در آن محقق اقدام به انتخاب مقوله اصلی و محوری می‌کند. به عبارت دیگر در این مرحله، یک مقوله اصلی انتخاب می‌شود و سایر مقوله‌ها که به آن خرده‌مقوله گفته می‌شود، در گرداگرد مقوله اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (نادرپور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۹). این کدها عبارتند از:

۱-۲-۲. صفات و ویژگی‌های مؤمنان

این صفات در عناوین زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۱-۲-۲-۱. صفات و ویژگی‌های فردی

الف) ویژگی‌های قلبی و ایمانی

یک- صیانت از نماز

اول: خشوع در نماز؛ قرآن به اهمیت دین در زندگی اشاره دارد که باید در همه عرصه‌ها بروز یابد و به نمایش گذاشته شود. دین به معنای سنت اجتماعی است که انسان در زندگی اجتماعی‌اش بر طبق آن سیر می‌کند. سنت‌های اجتماعی، متعلق به عمل است و زیربنای آن اعتقاد، در حقیقت هستی عالم و هستی خود انسان می‌باشد که یکی از اجزای عالم است (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۵، ص ۱۱). قرآن اقامه نماز را نشانه مؤمنان نمی‌شمارد، بلکه خشوع در نماز را از ویژگی‌های آنان ذکر می‌کند؛ زیرا نماز با خشوع موجب شکستن غرور و تکبر در وجود انسان است و زمینه ظهور فضایل و کمالات اخلاقی را در وی فراهم می‌سازد. خشوع به معنای تأثر خاصی است که به افراد مقهور دست می‌دهد؛ افرادی که در برابر سلطانی قاهر قرار گرفته‌اند؛ به طوری که توجه وی، همه و همه معطوف او گشته و از هر جای دیگر قطع می‌شود.

دوم: محافظت از نماز؛ قرآن کریم این بار محافظت بر نماز و اوقات و احکام آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. اوصاف مؤمنان، با خشوع در نماز آغاز می‌شود و با محافظت بر نماز ادامه می‌یابد. این تأکید، بیانگر نقش کلیدی نماز در جامعه مؤمنان است.

دو- خشیت

خشیت، ایمان به آیات و عدم شرک به پروردگار است. خشیت به معنای هرگونه ترس نیست؛ بلکه ترسی است که توأم با عظمت و احترام باشد. همچنین مشفق که از ماده اشفاق و از ریشه شفق به معنای روشنایی آمیخته با تاریکی گرفته شده، به معنای هراسان و داشتن خوف و ترسی است که آمیخته با محبت و احترام است. از آنجا که خشیت بیشتر جنبه قلبی دارد و اشفاق جنبه علمی را شامل می‌شود، ذکر این دو به صورت علت و معلول در آیه روشن می‌گردد. در حقیقت مؤمنان کسانی هستند که ترس آمیخته با عظمت خدا در دل‌هایشان جاری است و آثار آن در عملشان و مراقبت‌هایشان نسبت به دستورات الهی نمایان است. به تعبیر دیگر، اشفاق مرحله تکامل خشیت است که در عمل، اثر می‌گذارد و به پرهیز از گناه و انجام مسئولیت‌ها و امی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۶۳-۲۶۴).

سه- تفکر

قرآن کریم طرق اساسی تحصیل ایمان و معرفت را نشان می‌دهد. نخست دست انسان را گرفته و به کاوش در اسرار درون و سیر در عالم انفس وامی‌دارد و در آیاتی که بعد از آن خواهد آمد، او را به جهان برون و موجودات شگرف عالم هستی توجه می‌دهد و به سیر آفاقی می‌پردازد. این آیات را می‌توان آیات تفکر نامید. ویژگی مؤمنان، تفکر است و قرآن به نشانه‌هایی از عظمت خداوند اشاره دارد که تفکر در توانایی و حکمت خالق متعال، موجب تقویت ایمان می‌شود. این آیات، به عظمت آفریدگار در آفرینش انسان و آسمان‌ها و زمین اشاره دارد (مغنیه، ۱۳۸۶، ص ۵۸۶). انسان، مظهر صنع بدیع الهی است. آفرینش انسان، آفرینشی بس مهم و ستایش‌برانگیز است به گونه‌ای که خداوند از خویش به خاطر آفرینش انسان تمجید و ستایش می‌کند. این ستایش را خداوند از خود در چیزی که از مادیات و جسمانیات بود نفروده است و از تشریفات این انشای جدید است که «احسن الخالقین» را فرموده است (ایازی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۵). در ادامه، به مرگ انسان اشاره شده است که مرگ، نابودی نیست و برای اینکه این تصور پیش نیاید که با مردن انسان همه چیز پایان می‌گیرد، بلافاصله می‌افزاید در روز قیامت به زندگی دوباره بازمی‌گردد. در این آیات مانند آیات گذشته، انسان‌ها به تفکر خوانده می‌شوند. مؤمنان از آنچه بر آنان می‌گذرد و در کنار آنها قرار دارد به راحتی و بدون تفکر عبور نمی‌کنند. به نشانه‌های آفرینش خدا در وجود انسان، «آیات انفسی» گفته می‌شود و به نشانه‌های قدرت خدا در جهان پهناور، «آیات آفاقی» اطلاق می‌گردد.

باور به آیات آفاقی و انفسی، انسان را به درجه‌ای از معرفت می‌رساند که خالق هستی خویش را بشناسد. انسان وقتی خالق خویش را شناخت و این باور برایش حاصل شد که در نظام هستی، علاوه بر علت‌های معمولی، علت‌العللی نیز وجود دارد، دیگر ناامیدی به خود راه نمی‌دهد و همواره در امورش به نتایج مطلوب خوش‌بین است؛ زیرا اگر کاری از دست اسباب متعارف برنیاید، قدرتی ورای همه قدرت‌ها وجود دارد که می‌تواند انسان را دستگیری نماید و او را یاری رساند: ﴿سَرِّیْهِمْ اَیَاتِنَا فِی الْاَفَاقِ وَفِی اَنْفُسِهِمْ حَتّٰی یَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنْهُ الْحَقُّ اَوَلَمْ یَكْفِ بِرَبِّكَ اَنْهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ﴾ (فصلت: ۴۱). در این آیه، مراد از آیات آفاقی، کسوف، زلزله و آیاتی است که در آسمان‌ها عرضه می‌شود و منظور از آیات انفسی آن است که انسان گاهی گرسنه و گاهی تشنه و گاهی سیر و سیراب می‌شود، یک‌بار مریض می‌شود و یک‌بار سالم، یک‌بار متمول می‌شود و مرتبه‌ای فقیر می‌گردد، یک‌بار غضب می‌کند و یک‌بار می‌ترسد و یک‌بار در امن و امان قرار می‌گیرد و اینها نشانه‌هایی بزرگ بر توحید است.

ب) صفات و ویژگی‌های عملی

یک- پاکدامنی و عفت

دوری از هر گونه بی‌عفتی و روابط نامشروع، جزئی از ایمان به خداست. از آنجا که غریزه جنسی سرکش‌ترین غرائز انسان است، خویش‌داری در برابر آن، نیاز به تقوا، پرهیزکاری فراوان و ایمان قوی و نیرومند دارد.

دو- شتاب در خیرات

مؤمنان در کارهای خیر شتاب می‌کنند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند. آنچه را در راه خدا می‌دهند، وظیفه خویش می‌دانند و همواره نگرانند که مبدا عملشان خالص نبوده و مورد پذیرش خداوند قرار نگیرد. آنها هیچ‌گاه به کارهای نیک خود، دلبسته و مغرور نمی‌شوند و خود را در برابر خدا طلبکار نمی‌دانند و بر مردم منت نمی‌گذارند.

۲-۱-۲. ویژگی‌های اجتماعی

این صفات شامل حوزه‌های مختلفی شده که عبارت است از:

الف) سیاسی

یک- مسئولیت‌پذیری و تعهد

پایبندی به پیمان‌ها و قراردادهای اجتماعی، از ویژگی‌های اهل ایمان است. مسئولیت‌پذیری و تعهد در برابر قوانین دینی و قراردادهای اجتماعی، از نشانه‌های ایمان است. همچنین حکومت از مهم‌ترین ودیعه‌های الهی است که باید آن را به اهلش سپرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۰۰).

دو- امنیت

خداوند، حضرت مریم و فرزندش را از شر دشمنان حفظ کرد و در جایی امن و آرام جای داد. در اینجا به ویژگی مکان امن و آرام، یعنی اهمیت امنیت در جامعه مؤمنان اشاره می‌شود. در این آیه، امکانات رفاهی و آسایش در زندگی دنیوی، به عنوان ابعاد امنیت - امنیت اقتصادی - مورد تأکید قرار می‌گیرند.

سه- وحدت و دوری از تفرقه

تمام پیامبران از سوی یک پروردگار آمده و مردم را به توحید و پرهیزکاری دعوت کرده‌اند. تعدد پیامبران، دلیل بر دوگانگی یا چندگانگی آفریدگار نیست. تعالیم پیامبران یک جهت و مقصد دارد. ویژگی مؤمنان، پرهیز از فرقه‌گرایی و تلاش برای تشکیل امت واحده و دعوت و حرکت به سوی آن است. اصول دعوت همه پیامبران الهی یکی است، چنان‌که فطرت و طبیعت همه انسان‌ها یکسان است. ویژگی دشمنان، تفرقه میان مردم و تعدد ادیان و مکاتب بشری است. تعصب و پافشاری بیجا بر فکر و عقیده خود و دلبستگی شدید فرقه‌های مذهبی به طریقه خود، بدون شنیدن منطق و استدلال دیگران، منشاء تفرقه میان مردم و تعدد ادیان و مکاتب بشری شده است.

چهار- پذیرش اصل تفاوت

خداوند از همه بندگان انتظار یکسان ندارد، زیرا آنها را متفاوت آفریده است. هرکس متناسب با توان جسمی و عقلی‌اش مسئول است، نه بیش از آن. انسان آنچه را می‌فهمد، باید بپذیرد و در مرحله عمل نیز باید به مقداری که طاقت جسمی و توان مالی دارد، اقدام نماید. به طور مسلم توانمندی‌ها، امکانات و موقعیت افراد در جامعه متفاوت است. به دلیل وجود همین تفاوت‌ها، خداوند همه را به گونه‌ای یکسان مکلف نکرده است. خداوند خود برحق است و آنچه را در دنیا به بندگان تکلیف کرده، بر پایه حق و عادلانه است.

ب) اقتصادی

یک- اهمیت خوراک و پوشش گیاهی

منابع گیاهی زمین، تأمین کننده بخش بزرگی از نیازمندی‌های انسان است. تغذیه و امرار معاش از منابع گیاهی از اهمیت بالایی برخوردار است. توجه قرآن به خرما، انگور و زیتون در میان انواع خوراکی‌هایی که خداوند آفریده است، نشان‌دهنده جایگاه آنها در تأمین نیازهای بشر و اهمیت ویژه در تغذیه انسان است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۳۶). دانشمندان علوم تغذیه نیز به این نتیجه رسیده‌اند که این سه میوه، نقش مهمی در پیشگیری از بسیاری از بیماری‌ها و درمان آنها دارند. در قرآن نیز پس از فرمان «کُلُوا» دستوراتی آمده است که نشان می‌دهد خوردن و آشامیدن، هدف نیست؛ بلکه فقط وسیله‌ای است برای رشد و کمال انسان و لازمه توفیق عمل صالح، تغذیه حلال است و لقمه حرام، انسان را از کار نیک بازمی‌دارد. پس در جامعه مؤمنان، به غذاهای طیب تأکید و سفارش می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۵۵). باتوجه به اینکه نوع تغذیه، مسلماً در روحیات انسان مؤثر است و غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد، ارتباط این دو جمله روشن می‌شود که می‌فرماید: از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.^۵

دو- اهمیت حمل و نقل

سفر برای جابجایی کالا یا مسافر، از نیازهای ضروری بشر در روی زمین است و خداوند اسباب آن را در خشکی و دریا فراهم کرده است. بنابراین در جامعه مؤمنان باید به خوراک، پوشش گیاهی و حمل و نقل توجه ویژه‌ای داشت.

سه- محل زندگی بابرکت

در ادامه، به محل جغرافیایی زندگی مؤمنان اشاره می‌شود. زمین‌های محل زندگی مؤمنان، بابرکت است. در این سوره، در بخش‌های مختلفی، از کلمه «قل» استفاده شده است - مانند آیات ۲۸، ۲۹، ۸۶، ۸۸، ۹۳، ۹۷، ۱۱۸ و... که در آن خداوند به مؤمنان امر به گفتن و دعا می‌کند. یکی از موارد بسیار مهم آن است که مؤمنان از خداوند بخواهند آنان را در منزلی مبارک جای دهد و این نشانه اهمیت این امر است.

چهار- رسیدگی به محرومان و نیازمندان

زکات، ویژگی بعدی جنبه عملی و یکی از فعالیت‌های اجتماعی مؤمنان است. آنها تنها به عبادت و نماز و ذکر و دعا مشغول نمی‌شوند؛ بلکه به فکر محرومان و نیازمندان جامعه نیز هستند و بخشی از اموال خود را به آنان می‌دهند. رسیدگی به محرومان و نیازمندان، جزئی از ایمان به خدا محسوب می‌شود. دادن زکات نیز از اموری است که ایمان به خدا اقتضای آن را دارد؛ زیرا انسان به کمال سعادت خود نمی‌رسد مگر آنکه در اجتماع زندگی کند. همچنین در اجتماع، هر ذی‌حقی به حق خود نمی‌رسد و جامعه روی سعادت را نمی‌بیند،

^۵ «... كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا...» مؤمنون، ۵۱

^۶ «فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» مؤمنون، ۲۸ - «وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» مؤمنون، ۲۹ - «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» مؤمنون، ۸۶ - «قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» مؤمنون، ۸۸ - «قُلْ رَبِّ إِنَّمَا تُرِينِي مَا يُوعَدُونَ» مؤمنون، ۹۳ - «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» مؤمنون، ۹۷ - «وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» مؤمنون، ۱۱۸

مگر اینکه تفاوت و اختلاف طبقاتی در آن نباشند و همه مردم در بهره‌مندی از مزایای حیات و امتعه زندگی، برخوردار باشند. در همین راستا، انفاق مالی به فقرا و مساکین، از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین عوامل دستیابی به این هدف است (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۵، ص ۱۶).

ج) فرهنگی و روان‌شناختی

یک- جامعه هدف‌دار

مؤمنان دارای منطق و هدفمند هستند و از هرگونه کار لغو و بیهوده دوری می‌کنند. طبیعی است انسانی که به خدا ایمان دارد، جهان را دارای هدف و برنامه می‌بیند و دست به کارهای لغو و بیهوده نمی‌زند. افعال لغو از نظر دین، آن عمل مباح و حلالی است که صاحبش در آخرت و یا در دنیا از آن سودی نبرد و سرانجام آن منتهی به سود آخرت نگردد. مانند خوردن و آشامیدن از روی شهوت در غذا که لغو است؛ زیرا غرض از اکل و شرب، گرفتن نیرو برای اطاعت و عبادت خداست و اما اگر فعل، هیچ سودی برای آخرت نداشته باشد و سود دنیایی‌اش نیز بالاخره منتهی به آخرت نشود، چنین فعلی، لغو است (طباطبایی، همان، ج ۱۵، ص ۱۴-۱۵). در واقع تمام حرکات و خطوط زندگی مؤمنان، هدفی را دنبال می‌کند، هدفی مفید و سازنده؛ چراکه لغو به معنای کارهای بی‌هدف و بدون نتیجه مفید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۹۵).

دو- ارشاد و انداز

اولین مرحله دعوت پیامبران، دوری از شرک و پذیرش توحید بود. سپس برای کسانی که توحید را می‌پذیرفتند، مسئله قیامت و بازگشت انسان‌ها به جهان آخرت مطرح می‌شد. گاهی مخالفان، خود را حامی حریم خدا معرفی می‌کردند و اولیای الهی را تکذیب و تحقیر می‌نمودند. آنها می‌خواستند به طور ضمنی بگویند که ما خدا را قبول داریم، اما این فرد را پیامبر و فرستاده خدا نمی‌دانیم؛ زیرا انتظار داشتند خداوند فرشتگان را برای هدایت انسان‌ها بفرستد. در برابر منطق روشن و گویای پیامبران، که مردم را به راه حق و کارهای شایسته دعوت می‌کردند، ثروت‌اندوزان و بزرگان قوم، دست به مخالفت می‌زدند؛ زیرا سخنان آنان را مغایر با راه و روش خود می‌دیدند و پیروی مردم از آنان را موجب تضعیف جایگاه خود در جامعه می‌دانستند. دعوت به خداپرستی، زمینه آزادی مردم از سلطه اشراف و حاکمان ستمگر را فراهم می‌ساخت.

سه- منطق نیرومند

ویژگی مؤمنان، دعوت مردم و تبلیغ دین همراه با منطق و استدلال قوی است. در تبلیغ دین، گاه برحسب ضرورت باید به صورت جمعی عمل کرد؛ مانند زمانی که موسی علیه السلام با هارون همراه شد و از دیگران نیز کمک گرفت. در برخورد با مشرکان و کافران، خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «از بدی‌های آنها در گذر و در برابر سخنان باطل‌شان با منطق و استدلال، روشن سخن بگو و مراقب باش گرفتار وسوسه‌های شیطانی نشوی و رفتاری همچون رفتار خودشان با آنها نداشته باشی».^۷

^۷ «انْفَعُ بِلَاَّتِي هِيَ أَحْسَنُ النَّبِيَّةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶) وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷) وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۹۸)»

۲-۲-۲. مصادیق مؤمنان

به دنبال بیان نشانه‌های قدرت و عظمت پروردگار، به تعدادی از نعمت‌های معنوی برای هدایت بشر یعنی پیامبران و مؤمنان اشاره می‌شود. دعوت نخستین پیامبر اولوالعزم، به توحید و خداپرستی است، اما عده‌ای که دعوت حضرت نوح علیه السلام را موجب از دست دادن جایگاه خود می‌دانستند، با تبلیغات دروغین، نخستین عیب نوح را انسان بودنش می‌دانند. آنها حضرت نوح علیه السلام را فردی قدرت طلب معرفی می‌کردند که قصد دارد بر مردم سلطه یابد و آنها را برده خویش قرار دهد. مخالفان اصلی و اولیه پیامبران، گروه اشراف، ثروتمندان و صاحبان قدرتند که به دنبال حفظ برتری خود بر مردم بودند. حضرت صالح علیه السلام نیز مردم را به خداپرستی دعوت می‌کرد و آنها را از پرستش هر معبودی جز او برحذر می‌داشت. موسی علیه السلام مأموریت یافت پیش از دعوت مردم مصر به خداپرستی، به سوی فرعون و اطرافیانش برود؛ زیرا تا سردمداران جامعه اصلاح نشوند، اصلاح جامعه آسان نیست. تصحیح مرکزیت قدرت و حاکمیت جامعه، راهکاری برای اصلاح و هدایت مردم است. فرعون و اطرافیانش، پیامبران الهی را به برتری طلبی متهم می‌نمودند، درحالی که آنها، مردم را بندگان و بردگان خود می‌دانستند و به بدترین شکل، سلطه خویش را بر اقشار ضعیف اعمال می‌کردند. در نظام فرعونی، منطق و استدلال ارزشی ندارد. در این نظام، جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد، تعیین کننده ارزش و اعتبار سخن آنهاست و تعصب و پافشاری بیجا بر فکر و عقیده خود، پررنگ و قابل توجه است.

ظالمان با زبان خود، نسبت‌های ناروا به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دادند و او را شاعر، کاهن و مجنون می‌خواندند. آنها در رفتار نیز آن حضرت را آزار می‌دادند و مانع کار وی می‌شدند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها مدارا و به جای مقابله به مثل و بدزبانی و بدرفتاری، با گفتار و رفتار نیک و پسندیده، زمینه را برای پذیرش دعوت و هدایت آنها فراهم می‌نمود.

۲-۲-۳. دشمنان مؤمنان

الف) صفات و ویژگی‌ها

ویژگی اصلی کافران، «علم به حقیقت» آنهاست. آنها با علم و آگاهی کافر شدند، نه از روی جهل و نادانی؛ زیرا هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آیات الهی را برای آنها تلاوت می‌کرد، به دلیل غرور و تکبر، پشت می‌کردند و روی برمی‌گرداندند. در مجالس خصوصی خود نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله و سخنان او، نسبت‌های ناروا می‌دادند. ریشه‌های کفر و استکبار آنها، عدم تدبیر و تفکر است و گرنه می‌فهمیدند که این کتاب نیز همانند کتاب‌های پیامبران پیشین است و مطالبی شبیه آنها در این کتاب آمده است. آنها با تورات و انجیل آشنایی داشتند و می‌دانستند دعوت به توحید و کارهای نیک، در آن کتاب‌ها نیز آمده است. همچنین برخورد نادرست مخالفان با پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است: آنان نسبت‌های ناروایی به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهند. کافران چون حاضر به پذیرش حق نیستند، آیاتی را که خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرده و او بر مردم می‌خواند، وحی آسمانی

نمی‌شمرند؛ بلکه می‌گویند او دچار بیماری جنون شده است و این سخنان را بر زبان می‌راند، یا آنکه با جنیان مرتبط شده و القائات آنها را بر مردم می‌خواند (سخنان پوچ). خداوند در پاسخ این شبهه‌افکنی می‌فرماید که مشکل از جانب آنهاست که نمی‌خواهند حق را بپذیرند، نه آنکه حقانیت سخن پیامبر ﷺ، روشن و آشکار نیست. یکی از برنامه‌های دشمنان دین همواره این بوده است که شخصیت بزرگان دین را خدشه‌دار کنند. وظیفه و رسالت بزرگان دین این است که سخن حق را بگویند؛ گرچه عده‌ای از شنیدن آن ناراحت شوند یا آن را نپذیرند.

ب) سرانجام

یک- عدم رستگاری

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾^۸ و هر کس با خدا معبود دیگری را بخواند، هیچ دلیلی بر آن ندارد؛ پس قطعاً حساب او نزد پروردگارش خواهد بود. بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند. سوره با «قد افلح المؤمنون» آغاز شد و با «لا یفلح الکافرون» به پایان رسید و این دورنمای زندگی مؤمنان و کافران از آغاز تا فرجام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۴۹). آغاز این سوره و پایان آن، از گنجینه‌های عرش خدا خوانده شده است و هر کس به سه آیه آغاز آن عمل کند و از چهار آیه پایانش پند و اندرز گیرد، اهل نجات و فلاح و رستگاری است. بعید نیست منظور از سه آیه نخست این سوره، سه آیه‌ای است که بعد از جمله ﴿قد افلح المؤمنون﴾ آمده است که یکی دعوت به خشوع در نماز و دیگری دعوت به پرهیز از هرگونه کار لغو و بیهوده و سومی دعوت به زکات می‌باشد. این سه آیه، دربرگیرنده رابطه انسان است با خدا، خلق و خویشتن. همچنین منظور از چهار آیه آخر، بیهوده نبودن خلق و مسئله معاد و سپس توحید و سپس انقطاع الی الله و توجه به پروردگار است.

دو- عذاب کافران

سرانجام کافران، عذاب و عدم نصرت الهی است. غفلت و بی‌خبری کافران، تا زمانی که عذاب الهی آنها را بیدار و هوشیار نکند، ادامه دارد، اما نزول عذاب، همه کافران را دربرمی‌گیرد، آنها که در ناز و نعمت بودند، به‌خاطر از دست دادن مال و ثروت و اسباب رفاه و آسایش، ناله و فریاد برمی‌آورند و لب به شکایت می‌گشایند.

ج) مصادیق عذاب

یک- رانده شدن

دوری از خداوند و رانده شدن از سوی پروردگار با بدترین صورت ممکن است و این بدترین عذاب برای انسان‌هاست. خداوند آنها را از درگاه خود می‌راند و با تعبیر تندی که در هنگام دور کردن سگ به کار می‌رود، می‌گوید: «دور شوید! شما شایسته سخن گفتن نیستید»^۹؛ دلیل این کیفر آن است که آنان نه فقط از کارهای زشت خود پشیمان نشده و دست برنمی‌داشتند؛ بلکه اهل ایمان را که اهل توبه و استغفار بودند،

^۸ سوره مومنون، ۱۱۷

^۹ «قَالَ اخْسُئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» مومنون، ۱۰۸

مسخره می کردند و از روی تحقیر به آنها می خندیدند، اما آنها که مورد تمسخر بودند، امروز در بهشت در رفاه و آسایش کاملند و مسخره کنندگان، گرفتار آتش دوزخند.

دو- طوفان عظیم

نوح علیه السلام به مدت ۹۵۰ سال مردم را به خداپرستی دعوت کرد، اما تنها عده ای اندک به او ایمان آوردند. پس از آن، طوفانی عظیم به پا خاست تا زمین را از وجود کافران و آثار آنان پاک کند و اثری از آنان باقی نگذارد، اما برای حفظ همان مؤمنان اندک و نسل حیوانات، خداوند به نوح علیه السلام دستور داد کشتی بزرگی بسازد، از هر حیوان یک جفت در کشتی بیاورد و سپس مؤمنان و خانواده اش را سوار کند. در جامعه مؤمنان، آنها در برابر حیوانات مسئول هستند تا نگذارند نسل حیوانات منقرض شود.

سه- صاعقه

پایان کار قوم ثمود، صاعقه ای آسمانی بود که همراه با باران تند و وقوع سیل ویرانگر، موجب تخریب شهر و دیار آنان شد و همه آنها را در کام خود فرو برد. نابودی، عاقبتی است که همه ستمکاران را تهدید می کند و در انتظار آنان است. بر اساس این سنت ها، اقوام ستمگر نابود شده و امت های جدید جایگزین آنها می شوند.

۴-۲-۲. سرانجام مؤمنان

یک- وارثین فردوس

بهشت جاودان الهی را تنها اهل ایمان به ارث می برند. اموال در دنیا برای دیگران به ارث گذاشته می شود، اما اعمال، ارثی است که در آخرت به خود او می رسد. تعبیر ارث و تکرار آن شاید به این دلیل باشد که گرچه پاداش الهی بر اساس اعمال انسان هاست، اما این پاداش به قدری بزرگ و غیرقابل بیان است که در مقابل اعمال ناچیز انسان، همچون ارثی است که بدون تلاش و زحمت به وارث رسیده است.

دو- وارثین زمین و نجات از طوفان و صاعقه

خداوند به حضرت نوح علیه السلام بشارت می دهد که با آماده شدن کشتی و وقوع طوفان، همه کافران نابود خواهند شد، پس اهل ایمان باید خدا را سپاس گویند. حمد و ستایش خداوند در زندگی مؤمنان، به عنوان ویژگی ایشان، اهمیت دارد که آنان را از شر ستمگران رهایی بخشید و اگر لطف او نبود، مؤمنان هرگز از دست آنان آسوده نمی شدند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حق را از آن هر که بود بر عهده دار، نزدیک یا دور، و در این راه شکیباش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). خداوند در طول تاریخ، پیامبران بسیاری را فرستاده است و آنها از روی خیرخواهی و دلسوزی، مردم را به راه حق دعوت می کردند. تبعیت از حق، از مباحث مهم زندگی انسانی است.

کد	مفاهیم	مقولات
۱	حضرت نوح علیه السلام / حضرت صالح علیه السلام حضرت موسی و هارون علیه السلام / حضرت عیسی و مریم علیه السلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله	مصادیق مؤمنان
۲	مؤمنان خشوع در نماز/ محافظت از نماز/ انجام عمل صالح/ خشیت پروردگار/ ایمان به آیات و عدم شرک/ قلوب مشتاق (وجلّت قلوبهم)/ پناه بردن به خدا از وسوسه های شیاطین/ صبر/ طلب غفران/ جامعه هدفمند: اعراض از لغو/ جامعه پاکدامن: عفت و پاکدامنی/ جامعه بدون فقر: پرداخت زکات/ انفاق/ جامعه متعهد: مراعات عهد و امانت/ اهل تفکر (آفرینش انسان/ خلقت انسان/ مرگ و قیامت/ نزول باران)/ خوراک مناسب و طیب: اهمیت خرما، انگور و زیتون/ اهمیت پوشش گیاهی/ اهمیت حمل و نقل/ مسئول در برابر حیوانات/ زمین مبارک/ دعوت به خداپرستی/ ارشاد و انذار (تبلیغ همراه با منطق و استدلال قوی/ تبلیغ به خاطر خدا و نه طلب مال/ امنیت و آرامش/ جامعه واحده: وحدت و تلاش برای تشکیل امت واحده/ پذیرفتن اصل تفاوت/ گوینده سخن حق/ پاسخ به شیوه ای نیکو (ادفع بالتی هی احسن)/ شتاب در خیرات ظالمین تهمت و ناسزا/ تکذیب/ منطق نادرست/ گمراه کردن مردم/ پذیرش خداوند و انکار پیامبران/ روحیه برتری جویی/ اهمیت جایگاه اجتماعی به جای منطق و استدلال/ تفرقه/ غرور به قدرت دنیایی خود/ غفلت و بی خبری/ پیوسته مشغول انجام اعمال زشت/ کفر و ظلم آگاهانه/ عدم تدبیر/ خدشه دار کردن شخصیت بزرگان/ پیروی از هوی و هوس/ لجاجت و اصرار بر روش نادرست/ انکار عالم پس از مرگ/ اعتراف به وجود خداوند/ عدم تذکر/ فریب خوردگان/ باورهای انحرافی (فرزند داشتن خدا)/ شقاوت و سنگدلی/ عبث دانستن خلقت	صفات و ویژگی های فردی و اجتماعی
۳	قوم نوح/ قوم ثمود/ فرعون/ ملأ قوم موسی/ مترفین	مصادیق دشمنان
۲	مؤمنان - پیروزی دنیوی و اخروی - نجات از ظالمان - وارثین زمین - وارثین فردوس ظالمین - عذاب - عذاب شدید - عذاب جهنم - طوفان (طوفان نوح) - صیحه آسمانی (قوم ثمود) - سیل (فرعون)	سرانجام مؤمنان و ظالمین

	– رانده شدن از خداوند به بدترین وجه ممکن «قَالَ اخْسُتُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ» در دوزخ گم شوید و با من سخن مگویید.»	
--	--	--

۲-۳. کدگذاری انتخابی

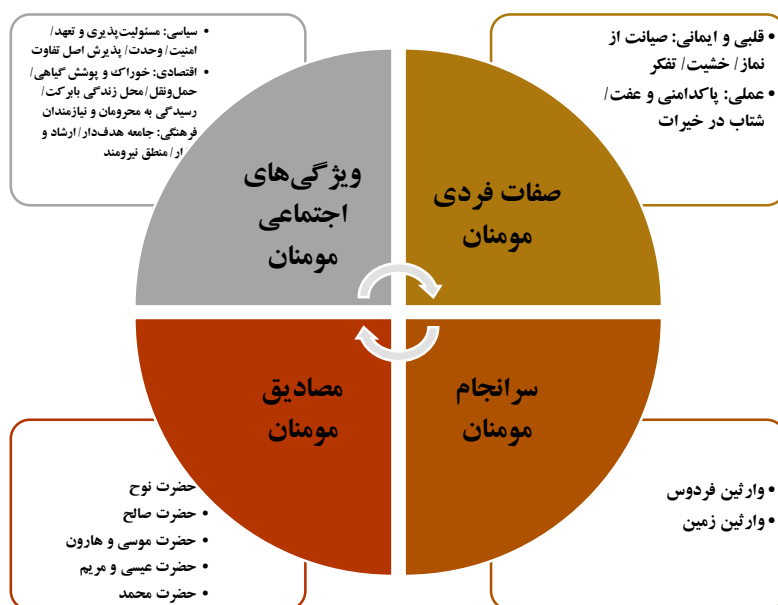
کدگذاری انتخابی به عنوان بخشی از فرایند ساخت پایه‌های نظریه داده‌بنیاد بر اساس ارتباط مقولات متعدد با مقوله اصلی و مرکزی مطرح است. در شناسه گذاری انتخابی، شناسایی مقوله اصلی، بسیار مهم است. مقوله اصلی در واقع، پدیده اصلی است که سایر مقولات بر محور آن گرد می‌آیند و کلیتی را تشکیل می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸). در این بخش، یک نظریه یا الگو از روابط فی مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آید (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۲۰). در این مرحله است که مقوله مرکزی، شناسایی و با سایر مقولات ارتباط برقرار می‌شود. در کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر، در قالب یک مدل عرضه شده و ارتباط آنها توصیف می‌شوند (ایمانی، ۱۳۸۸، ص ۸۱). از آنجا که موضوع اصلی در این تحقیق، مؤمنین هستند، شاخه‌های پیرامون این موضوع شناسایی شده و مباحث در مورد آنها شکل می‌گیرد؛ لذا در بحث مؤمنین در اینجا به چهار معیار اساسی پرداخته شده است:

۱. صفات فردی مؤمنان

۲. ویژگی‌های اجتماعی مؤمنان

۳. مصادیق مؤمنان

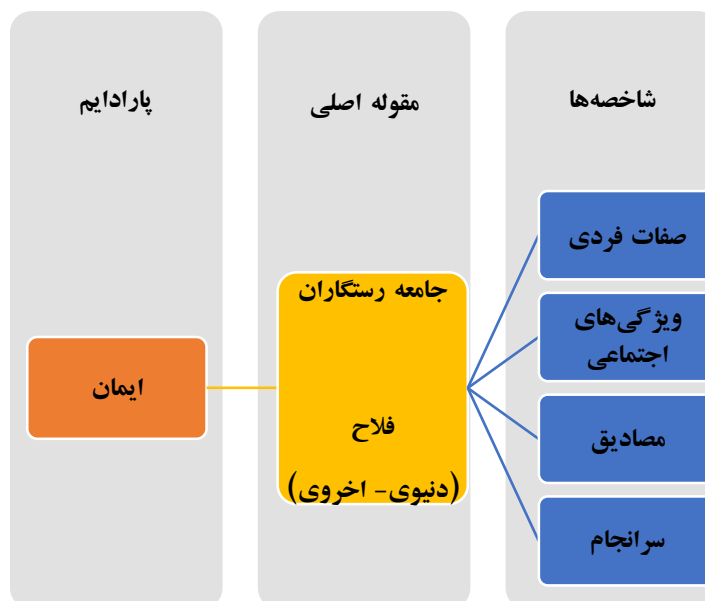
۴. سرانجام مؤمنان



۴-۲. کشف متغیر محوری

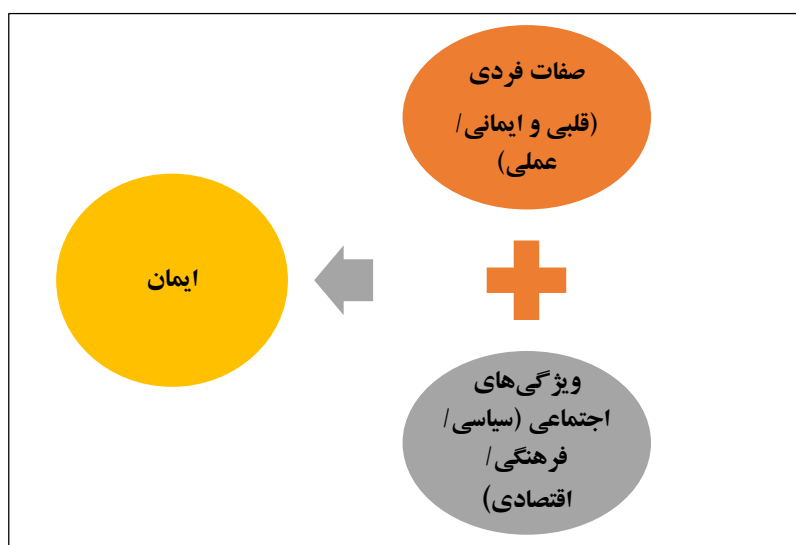
در کدگذاری باز، مقوله‌ها و مضامین اصلی پیرامون پدیده مورد مطالعه شناسایی می‌شوند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به طور نظام‌مند بهبود یافته و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شوند. در نهایت، از طریق کدگذاری گزینشی، ابتدا مقوله محوری شناسایی شده و در نهایت، الگوی پارادایمی پژوهش ارائه می‌شود. در این مرحله، ابتدا باید به سراغ مقوله محوری رفت. ظهور متغیر محوری در مطالعه، به عنوان راهنمایی برای گردآوری و تحلیل داده‌های بیشتر بعدی نیز عمل می‌کند؛ یعنی مقوله محوری، سبب جهت‌دهی به نمونه‌برداری نظری می‌شود.

با بررسی تفاسیر و دقت نظر در سوره مؤمنون، این نکته مورد توجه قرار گرفت که مقوله اصلی، قلب سوره، آیه اول و ابتدایی سوره است که با صراحت، از فلاح و رستگاری قطعی مؤمنان در دنیا و آخرت خبر می‌دهد و لذا مقوله اصلی، جامعه رستگاران نام گرفت. فلاح به معنای برداشتن موانع پیش رو و غلبه بر مشکلات برای رسیدن به هدف است که موجب پیروزی و رستگاری می‌شود (سیاح، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱۴). فلاح به معنای ظفر یافتن و به دست آوردن و رسیدن به آرزوست و این به دو نحو است: دنیوی و اخروی. ظفر دنیوی، رسیدن به سعادت زندگی است؛ یعنی به چیزی که زندگی را گوارا سازد و آن را در درجه اول بقاء و سپس توانگری و عزت برساند. ظفر اخروی نیز در چهار چیز خلاصه می‌شود: بقایی که فنا نداشته باشد، غنایی که دستخوش فقر نشود، عزتی که آمیخته با ذلت نباشد و علمی که مشوب با جهل نباشد (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۵، ص ۱۰). پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد، سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست. رستگاری آخرت نیز در این است که در جوار رحمت پروردگار در میان نعمت‌های جاویدان در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی به سر برد. پس فلاح و رستگاری معنای وسیعی دارد که هم شامل پیروزی‌های مادی می‌شود و هم معنوی؛ و در مورد مؤمنان، هر دو بعد، منظور است.



پس از کشف متغیر محوری، برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند، مفاهیم باید به طور منظم به یکدیگر ربط یابند. در کدگذاری محوری، مبانی و پایه‌های کدگذاری انتخابی پی‌ریزی می‌شود. کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده، آن روابط را در چهارچوب یک روایت و داستان، روشن کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند.

کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را می‌گیرد، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند، و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند تکمیل می‌کند. در این حالت، توجه به روابط میان مقوله‌ها بر مبنای مشخصه‌ها و ابعادشان است.



نتیجه‌گیری

قرآن کتاب هدایت است و تک‌تک واژه‌ها و آیه‌های آن، مسیر و راه درست را به انسان می‌نمایاند. کمال و سعادت بشر، از طریق انجام این رهنمودها میسر می‌گردد. در جوامع انسانی، اندیشمندان برای یافتن راهی برای راحتی، آرامش و آزادی و... هستند. جامعه آرمانی هر متفکری، بر یک یا چند جنبه تأکید دارد. تحقیق حاضر با توجه به مرجعیت علمی قرآن کریم، در پی بررسی راه‌ها و روش‌های استخراج مدل‌های علمی و نظریه از قرآن کریم بود. از این رو به بررسی و ترکیب دو روش استراتژی داده‌بنیاد و تفسیر ساختاری پرداخت. پیاده‌سازی این روش در سوره مؤمنون صورت پذیرفت. از این منظر، در سوره مؤمنون، قلب سوره و مقوله اصلی، آیه اول و ابتدایی سوره است که با عنوان «جامعه رستگاران» کدگذاری گردید. با به کارگیری نرم‌افزار «مکس کیودا» کدهایی از سوره مؤمنون مربوط به صفات مؤمنان و دشمنان آنها یعنی ظالمان به دست آمد. کدها به چهار بخش صفات و ویژگی‌های مؤمنان، مصادیق، دشمنان و ویژگی‌های آنها و سرانجام مؤمنان تقسیم گردید. صفات و ویژگی‌های جامعه آرمانی مؤمنان نیز به دو بخش فردی، شامل صفات و ویژگی‌های اعتقادی و فکری و بخش اجتماعی، شامل صفات عملی، اجتماعی و سیاسی جامعه آرمانی مؤمنان تقسیم

گردید. ابعاد اجتماعی، شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بودند. البته ممکن است که این کدها با هم هم‌پوشانی داشته باشند. سپس به مصادیقی از جامعه مؤمنان اشاره شد که در ادامه ساختار و ارکان جامعه مؤمنان، دارای ویژگی‌های تبعیت از حق، منطق نیرومند، شناخته‌شده به نیکی و عدم وابستگی به دنیا هستند و سپس سرانجام و فرجام دو دسته رستگاران و خاسرین بیان شد. پاسخ به این روش، مثبت بود؛ هرچند نیازمند نقد و بررسی و تحقیقات بعدی است. حاصل این تحقیق، طراحی مدل (نظریه) زیست مؤمنانه از منظر قرآن کریم شد.

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت؛ اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنای رویه ها و شیوه ها. چ سوم، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۲. ایازی، سید محمدعلی؛ تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی (ره)؛ جلد ۴، قم: چاپ و نشر بروج، ۱۳۸۴ ش.
۳. ایمان، محمدتقی، مبانی پارادایمی روش های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۴. خامه گر، محمد؛ «روش استنباط گزاره های سیاسی از ساختار سورهای قرآن»؛ فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۲، تابستان، ص ۴۹-۶۶، ۱۳۸۲ ش.
۵. -----؛ «ساختار هندسی سوره های قرآن؛ درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن»؛ مجله گلستان قرآن، ش ۱۳۸، دی، ۱۳۸۱ ش، ص ۹ تا ۱۳.
۶. خرقانی، حسن؛ هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن؛ تهران: قلمرو، ۱۳۸۰ ش.
۷. دانایی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی، استراتژی های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داه بنیاد، اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۳۸۶، ۶۹ تا ۹۸.
۸. سیاح، احمد؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)؛ جلد ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۰ ش.
۹. شومیکر، پاملا و دیگران، نظریه سازی در علوم اجتماعی، ترجمه: محمد عبداللهی، تهران: جامعه شناسان، ۱۳۸۷.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۵۶ ش.
۱۱. فقیهی، ابوالحسن و بامداد صوفی، کامیار؛ «کثرت گرایی روش تحقیق در پژوهش های سازمانی»؛ فصلنامه مدیریت، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۱ تا ۵۴.
۱۲. فلیک، اووه، درآمدی بر پژوهش های کیفی در علوم انسانی، ترجمه جمشیدیان، سیادت و نوروزی، قم: سماء قلم، ۱۳۸۲.
۱۳. غروی، سعیده؛ «تفسیر ساختاری سوره یس با تاکید بر تفسیر المیزان»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، سال ششم، بهار، ش ۲۱، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۰۳ تا ۱۲۲.

۱۴. فخاری، علی؛ «نقش پیامدهای اجتماعی و بهداشتی مهاجرت در اقدام به خودکشی مهاجرین حاشیه‌نشین تبریز؛ مطالعه‌ای اکتشافی در چهارچوب گرانددتئوری»؛ **مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز**، دوره ۳۱، ش ۲، تابستان، ۱۳۸۸ش، ص ۶۵ تا ۷۲.
۱۵. مغنیه، محمدجواد؛ **تفسیر کاشف**؛ ترجمه: موسی دانش؛ جلد ۵، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۱۶. منصوریان، یزدان؛ **گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؛ ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی**؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶ش.
۱۷. مهربانی، امیر حمزه؛ خنفیر، حسین؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی‌متین، حسن و جندقی، غلامرضا؛ «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی؛ ارائه یک نمونه»، **مدیریت فرهنگ سازمانی**، سال نهم، ش ۲۳، بهار و تابستان، ۱۳۹۰ش، ص ۳۰ تا ۳۵.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ جلد ۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
۱۹. نادر پور، هوشیار؛ لطیفی، میثم؛ اکبری رضا، **معنای زندگی در موقعیت مرگ از منظر ویتگنشتاین با استفاده از نظریه پردازی داده بنیاد**، فلسفه، بهار و تابستان ۱۳۹۶ سال ۴۵ شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۱
۲۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان؛ **تفسیر راهنما**؛ جلد ۱۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۹ش.